دکتور لعل زاد

لندن، ۲۷ سپتمبر ۲۰۲۰

محمود طرزی بنیانگذار نظریه برتری قومی – زبانی

==========

محمود طرزی نخستین شماره «سراج الاخبار» را در ۱۶ میزان ۱۲۹۰ خورشیدی (۹ اکتوبر ۱۹۱۱) به نشر می رساند. نام این اخبار پس از چند ماه به «سراج الاخبار افغانیه» تغییر می یابد و بعدا محمود طرزی هم «محمود افغانی» می شود (تصویر ۱)!

محمود طرزی در شماره ۹ تاریخ ۳ دلو ۱۲۹۱ (۲۳ جنوری ۱۹۱۳) در مقاله ای می گوید که «زبان افغانی اجداد زبان ها» و «قوم افغان اجداد اقوام آریایی» است. نکات عمده آن قرار زیر است (تصویر ۲):

زبان افغانی اجداد زبانهاست... اجداد اصلی همه فرقه های آریان باز هم خود قوم افغان است... این بیانات ما را بعضی بر تعصب ملتی ما حمل کرده، خواهند گفت که «آقای اخبار والای افغانی، این چنین زبان غلیظ و ثقیل و کلفت را که کیفیت مکالمه آن عادتا به صوت سنگ های میان دبه مشابهت می رساند، می خواهد که اجداد زبان ها و افغان های به این گمنامی و کم عددی و سادگی و کوهستانی وحشی را می خواهد اجداد یک کتله عظیمه بشریه رقم بدهد»...

طرزی در شماره ۲ تاریخ ۲۰ سنبله ۱۲۹۴ خورشیدی (۱۲ سپتمبر ۱۹۱۵) مقاله ای زیر عنوان «زبان و اهمیت آن» می نویسد که نکات عمده آن قرار زیر است (تصویر ۳):

زبان رسمی دولت متبوعه مقدسه ما زبان فارسی و زبان ملتی ما زبان افغانی می باشد... وقتی که اعلیحضرت (احمدشاه بابای غازی) به تاسیس و استقلال سلطنت افغانیه کامیاب آمد، امورات دفتر و کارهای کتابت و میرزایی و جمله نوشت و خوان دولتی که اساس

امور سلطنت برآن موقوف است، به زبان فارسی و به دست همان مردمان فارسی زبان ایرانی الاصل بود که از یادگارهای حکومت سابقه ایران باقی مانده بودند. زبان افغانی به درجه ای اصلاح نیافته بود که دفعتا امورات دفتری و کارهای کشوری به آن زبان تحویل می شد. ذاتا مردمان افغان چون عموما به کار عسکری و فتوحات بلاد و امصار و حرب و ضرب گرفتار بودند، به کارهای میرزایی و تحریرات امورات حکومتی وقت و فرصت نداشتند. حتی این چنین کارها ار برای خود عار می شمردند و به کلمات محقرانه (میرزاگی دی) (و ملاگی دی) ارباب تحریر را حقارت هم می کردند. کتاب های متداوله تحصیل علم و ادبیات هم یا به زبان عربی یا فارسی بوده، زبان افغانی به درجه کفایت از این چیزها سراسر محروم مانده بود...

بنا برین... از آغاز تاسیس استقلال دولت افغانیه زبان رسمی دولتی ما زبان فارسی شده مانده است... بعد از آن... هیچ کسی در پی اصلاح و ترقی زبان افغانی و تبدیل دادن رسومات دولتی از زبان فارسی به زبان افغانی و زبان رسمی ساختن آن نیفتاده اند. دیگر اینکه در خاک پاک وطن عزیز ما تنها اقوام افغانی الاصلی که زبان شان صرف افغانی باشد ساکن نیستند؛ بلکه اقوامی که زبان شان فارسی است نیز به کثرت مقیم و موجود هستند که از اصل اجزای ملت افغان محسوب اند. مردم نفس پایتخت و اکثر شهرهای بزرگ نایب الحکومه نشین ها علی الاکثر به زبان فارسی تکلم هستند. در عموم دفاتر و محاکم رسمی دولتی، زبان فارسی از آغاز تاسیس و تشکیل یافتن حکومت مستقله افغانیه به درجه راکز و راسخ گردیده که تبدیل آن خیلی مشکل است. زبان دربار و خاندان جلیل سلطنت، خواه در وقت حکومت سدوزایی درانی و خواه در وقت حکومت محمد زایی درانی، فارسی بوده و هست.

بنابراین هیچ کس حکم داده نمی تواند که زبان رسمی دولتی ما دفعتا به زبان افغانی تبدیل یابد. یک محذور دیگری هم هست و آن این است که زبان فارسی نسبت به زبان افغانی یک عمومیت و اهمیت بیشتری دارد. مثلا زبان افغانی منحصر و محصور به خاک پاک افغانستان و همین چند ملیون ملت افغان است. حال آنکه زبان فارسی غیراز آنکه زبان

عمومی تمام مملکت دولت همسایه ما ایران می باشد، کذالک در تمام ممالک ماورالنهر و ممالک هندوستان، حتی در ممالک عثمانی نیز معروف و متداول است و از اجرای مهمه زبان های اسلامیه اهل شرق شمرده می شود. یک جزو مهم زبان ترکی عثمانی و ترکی ماورالنهری و اردوی هندی را زبان فارسی تشکیل می دهد که به این سبب ها اگر زبان رسمی دولتی افغانستان زبان فارسی باشد، غیراز آنکه ضرری برآن مرتب شود، از فایده های سیاسی هم خالی نیست...

ما را «ملت افغان» و خاک پاک وطن عزیز ما را «افغانستان» می گویند... تنها مردمان افغانی زبان نی، بلکه همه افراد اقوام مختلفه ملت افغانستان را واجب است که زبان افغانی وطنی و ملتی خود را یاد بگیرند. در مکتب های ما اهم ترین آموزش ها باید تحصیل زبان افغانی باشد. از آموختن زبان انگلیزی، اردو، ترکی و حتی فارسی، تحصیل زبان افغانی را اهم و اقدم باید شمرد...

در سال اول (سراج الاخبار افغانیه) یک مقاله نوشته ثابت کرده بودیم که «زبان افغانی اجداد زبانهاست»... زبان ملتی افغانی خود را تقدیس نمایید و دوست دارید...

نتیجه گیری

- با نشر این دو مقاله محمود طرزی/افغانی در زمان امیرحبیب الله، تهداب مفکوره «برتری قومی - زبانی» برای قوم «افغان» و «زبان افغانی» در کشور گذاشته می شود؛

- با نشر «نظامنامه ناقلین بسمت قطغن» در زمان امیرامان الله، اولین گام های عملی در جهت تطبیق این مفکوره برداشته می شود؛

- با نشر دو مقاله میرغلام محمد غبار زیر عنوان «افغانستان و نگاهی به تاریخ آن» و «تاریخچه مختصر افغانستان» در زمان نادرشاه، نخستن گام های عملی در جهت «تاریخ سازی» برای «قوم افغان» و «کشور افغانستان» برداشته می شود؛

- با ایجاد «پشتوتولنه» و «انجمن تاریخ» زیر ریاست علی احمد کهزاد در زمان ظاهرشاه، «تاریخ سازی» (پته خزانه، تبدیل نام شهرها وغیره)، «نماد/اسطوره سازی» (ملالی، نازو انا وغیره) و «افغان/پشتون/پشتو سازی» در کشور گسترش می یابد؛ نام زبان «فارسی» در ۱۳۴۳/ ۱۹۶۴ به «دری» تبدیل می شود و از ذکر واژه های پارسی به بهانه واژه های بیگانه «ایرانی» جلوگیری می شود؛

- این روند در زمان کرزی-احمدزی به اوج خود می رسد که حالا شاهد آن هستیم...



تصویر ۱. تبدیل نام «سراج الاخبار» به «سراج الاخبار افغانیه» و محمود طرزی به «محمود افغانی» (قیمت هر شماره یک «عباسی» گفته شده است. قرار معلوم، «عباسی» واحد پول ایران از زمان شاه عباس اول صفوی بوده است که در زمان امان الله در سال ۱۲۹۸ خورشیدی به نام «روپیه کابلی» و بعد در سال ۱۳۰۴ خورشیدی به نام «افغانی» تبدیل می شود).



مقالهٔ مخصوصه

{ مبحث زبان }

زبان افغانی اجداد زبانهاست

این بیانات مارا بعضی برتعصب ملتی ما حمل کرده خواهند گفت که « آقای اخبار والای افغانی ، این چنین زبان غلیظ و ثقیل کلفت را که کیفیت مکالمهٔ آن عادتا بصوت سنگهای میان دبه مشابهت میرساند میخواهد که اجداد زبان ها ؛ وافغانهای به این گمنامی و کم عددی ، وساده گی ، وکوهستانی وحشی را میخواهد اجدادیك کتلهٔ عظیمهٔ بشریه برقم بدهد »

سراج الاخبار افغانیه، شماره، ۹، ۳ دلو ۱۲۹۱ ش (۱۹۱۳)

تصویر ۲. محمود طرزی، سراج الاخبار افغانیه، شماره ۹، ۳ دلو ۱۲۹۱ (۲۳ جنوری ۱۹۱۳)

اخلاقیات

﴿ زبان ، و أهمیت آن ﴾

یکی ازمکارم اخلاق خسنهٔ ملتی هرملت محافظه کردن زبان، واصلاح وترقی دادن آنست . زبان رسمیٔ دولت متبوعهٔ مقدسهٔ ما زبان « فارسی » و زبان ملتیٔ ما زبان « افغانی » میباشد . زبان فارسی ازین سبب زبان رسمیٔ دولتیٔ ما شده است که قبل ازتشکیل وتأسیس یافتن دولت مقدسهٔ افغانیه واستقلال یافتن حاکمیت ملتیٔ ما، خاك پاك وطن مقدس ما ازاجزای ممالك ایران محسوب بود .

هنگامیکه (نادرشاه) مشهور که یك پادشاه غیور وجسور ایران بود درایران بقتل رسید ، (احمد شاه) درانی که از امرای نامدار افغان درمعیت نادر بود همهٔ قوم افغان را جمع آوری کرده به (قندهار) آمد . و در سنه ۱۱۶۱ هجری سلطنت افغانیه را تأسیس نهاده اعلان استقلال نمود . نخستین پادشاهی که همین سلطنت حالایٔ دولت علیهٔ افغانیه را تشکیل داده ، وتمام افغانستان ، وبسیاری از ممالك ایران، وتمام قسم شمالیٔ هندستان، وکشمیر ونواحیٔ آنرا ضمیمهٔ ممالك ساخته ، و یکدولت قویشوکت معظمهٔ افغانیه را ایجاد وبنیاد داده همین پادشاه بزرگیست که بلقب (غازی) و (بابا)ملقب شده است .این حکمران ذیشان ، و مؤسس نخستین دولت افغان ۲۶ سال بفتوحات و مجاهدات سلطنت کرده درسنه ۱۱۸۷ درشهر قندهار که بنایافتهٔ شاهانه شان بود وبه (احمدشاهی) مسمی شده بود بجوار رحمت ایزدی پیوسته از دار دنیا در گذشته اند . رحمة الله علیه رحمةً واسعةً .

و فتیکه اعلیحضرت (احمد شاه بابای غازی) بتاسیس و استقلال سلطنت افغانیه کامیاب آمد امورات دفتر وکارهای کتابت ومیرزایٔ و جمله نوشت وخوان دولتی که اساس امور سلطنت بران موقوفست بزبان فارسی و بدست همان مردمان فارسی زبان ایرانی الأصلی بود که از یادکار های حکومت سابقهٔ ایران باقی مانده بودند . زبان افغانی بدرجهٔ اصلاح نیافته بود که دفعةً امورات دفتری و کارهای کشوری به آن زبان تحویل میشد . ذاتاً مردمان افغان چون عموماً بکار عسکری وفتوحات بلادوامصار وحرب وضرب گرفتار بودند به کارهای میرزایٔ وتحریرات امورات حکومتی وقت وفرصت نداشتند حتی اینچین کارهارا برای خود عار میشمردند ، وبکلمات محقرانهٔ [میرزا کی دی] [وملا کی دی] ارباب تحریر را حقارت هم میکردند . کتابهای متداولهٔ تحصیل علم وادبیات هم یازبان عربی یازبان فارسی بوده زبان افغانی بدرجهٔ کفایت ازین چیزها سراسر محروم مانده بود .

این است که بنا برین سببهای که بطور اجمال از ان بیان نمودیم از آغاز تأسیس استقلال دولت افغانیه زبان رسمیٔ دولتیٔ ما زبان فارسی شده مانده است. بعد ازانها هم بسبب غوایل خارجی واختلالات داخلی هیچ کسی درپیٔ اصلاح وترقی زبان افغانی وتبدیل دادن رسومات دولتی را از زبان فارسی بزبان افغانی و زبان رسمی ساختن آن نیفتاده اند . دیگر اینکه درخاك پاك وطن عزیزما تنها اقوام افغانی الاصلی که زبان شان صرف افغانی باشد ساکن نیستند ؛ بلکه اقوامی که زبان شان فارسیست نیز بکثرت مقیم وموجود هستند که ازاصل اجزای ملت افغان محسوب اند . مردم نفس پایتخت ، واکثر شهر های بزرك نائب الحکومه نشین ها علی الاکثر بزبان فارسی متکلم هستند . در عموم دفاتر ومحاکم رسمیٔ دولتیٔ ، زبان فارسی از آغاز تأسیس وتشکیل یافتن حکومت مستقلهٔ افغانیه بدرجهٔ را کز وراسخ گردیده که تبدیل وتحویل آن خیلی مشکل است . زبان دربارو خاندان جلیل الشان سلطنت ، خواه دروقت حکومت صدوزایٔ درانیٔ ، وخواه دروقت حکومت محمد زایٔ درانی فارسی بوده وهست.

بنابرین هیچکس حکم داده نمیتواند که زبان رسمیٔ دولتیٔ ما یعنی زبان افغانی تبدیل یابد . یك محذور دیگری هم هست ، و آن اینست که زبان فارسی نسبت بزبان افغانی یك عمومیت وأهمیت بیشتری دارد . مثلا زبان افغانی منحصر ومحصور بخاك پاك افغانستان وهمین چندملیون ملت افغانست. حالآ نکه زبان فارسی غیرازانکه زبان عمومیٔ تمام مملکت دولت همسایهٔ ما ایران میباشد ، کذالك در تمام ممالك ماوراء النهر ، وممالك هندستان ، حتی در ممالك عثمانی نیز معروف ومتداول است ، وازاجزای مهمهٔ زبانهای اسلامیهٔ اهل شرق شمرده میشود . یك جزو مهم زبان ترکیٔ عثمانی ، وترکیٔ ماوراالنهری ، واردوی هندی را زبان فارسی تشکیل میدهد که به این سببها اگر زبان رسمیٔ دولتیٔ افغانستان زبان فارسی باشد غیر از انکه ضروری بران مرتب شود ، از فایده های سیاسی هم خالی نیست .

در اوروپا تابسیار وقتها زبان فرانسوی ، زبان رسمیٔ عمومیٔ همهٔ دولتهای اوروپا بود ، بلکه تابحال هم اکثر محررات مهمهٔ سیاسیهٔ مانند معاهدات صلحیه وغیره عموماً بزبان فرانسوی نوشته میشود . دردولت علیهٔ عثمانیه از آغاز تشکیل وتأسیس آن تابسیار زمانها همه تحریرات رسمیهٔ دولتیٔ شان بزبان فارسی بود. درزمان حکومت اسلامیه مغلیه درهندستان ؛ نابوقت انقراض شان زبان فارسی زبان رسمیٔ دولتی بود .

ازاهمیت زبان فارسی بسیار بحث راندیم . واین را هم تسلیم کردیم که زبان فارسی زبان رسمیٔ دولتی مایاشد . حالالازم آمد که یکقدری ازخود بگوئیم ـ یعنی از زبان ملتیٔ افغانی خود ـ بحث بمیان آریم . ذاتاً موضوع بحث ما ازین عنوان (زبان، واهمیت آن) زبان افغانی خودماست.

اولا این را باید دانست که هرقوم وهرملت بزبان قومی وملتیٔ خود زنده است . ملتی که زبان شان محو وضایع شود ، هستی ومو جودیت شان نیز نابود میکردد . محافظهٔ زبان اصلی وفطرتیٔ هرملت بدرجهٔ محافظهٔ زندگیٔ شان اهمیت دارد . مارا « ملت افغان » وخاك پاك وطن عزیزمارا افغانستان » میکویند . چنانچه عادات ، اطوار ، اخلاق مخصوصی داریم ، زبان مخصوصی را نیزما لك میباشیم که آن زبان را (زبان افغانی) میکویند .این زبان را مانند حرز جان باید محافظه کنیم . درترقی واصلاح آن جداً کوشش ورزیم . تنها مردمان افغانی زبان نی ، بلکه همهٔ افراد اقوام مختلفهٔ ملت افغانستان را واجب است که زبان افغانیٔ وطنی وملتیٔ خودرا یادبگیرند . درمکتبهای ما اهمترین آموز شها باید تحصیل زبان افغانی باشد از آموختن زبان انکلیزی اردو ترکی حتی فارسی تحصیل زبان افغانی را اهم واقدم باید شمرد .

بفکر عاجزانهٔ خود ما یکانه وظیفهٔ انجمن عالی معارف باید اصلاح وترقی وتعمیم زبان وطنی وملتیٔ افغانی باشد . ازارباب علم ودانش این

تصویر ۳. صفحه اول: محمود طرزی، سراج الاخبار افغانیه، ۲۰ سنبله ۱۲۹۴ (۱۲ سپتمبر ۱۹۱۵)

زبان یك گروپ مخصوصی تشکیل یافته کتابهای تعلیمیهٔ ضروری ولازمیٔ آموختن آنرا تدوین و حاضر باید کرد . حتی برای تطبیق دادن کلمات فنی وصناعی ، واختراعات جدیدهٔ که نامهای آن درزبان افغانی غیر معروفست کلمات مناسب ونامهای متناسب بزبان افغانی پیدا باید کرد وهرقدر اصلاح وترقی که لازم است درانباب اجرا باید کرد .

این راهم بگوئیم که زبان افغانی ما ، یك زبان بسیار خوب وباقاعدهٔ میباشد . قواعد - یعنی صرف ونحو - آن بسیار متین ومنتظم است . متانت وصلابت آن مانند متانت وصلابت خود ملت افغان مردانه وپرمهابت میباشد . وازین است که بکمال فخر وسرور مبینیم که زبان عسکریٔ دولت مقدسهٔ ماعموماً زبان ملتیٔ افغانی است . همه بولیها وقوماندهها وتعلیمات قواعد عسکری نظامی بزبان افغانیست . زیرا صلابت ومهابت این زبان برای این مسئله خیلی موزون ومناسب افتاده ، ویك شان وشوکت جسورانه بقواعد عسکری بخشیده است . اگر بولیهای قواعد عسکری بزبان فارسی میبود بسیار سست وکشال وغیرموزون دیده میشد . مثلا درمابین بولیٔ فارسیٔ :- « ای بله بم چی یك قدم به پیش » وبولیٔ افغانی « پرمخ زاو » ، وبولیٔ ، « تفنك را آتش ده » وبولیٔ ، « اووورر » ، وبولیٔ « ای عسکرها ایستاده شوید » ، وبولیٔ « دریز » ، وامثال آنها فرق که موجود است هرکس تسلیم باید بکند .

درسال اول (سراالاخبار افغانیه) یك مقالهٔ نوشته ثابت کرده بودیم که « زبان افغانی اجداد زبانهاست » . قارئین کرام ما آن مقالهٔ مخصوصهٔ مارا بازیکبار ازنظر بگذرانند تا بدانند که زبان اصلیٔ ملتیٔ افغانیٔ ما تاچه درجه یك زبان بااهمیت وطبیعی وقدیم یك زبانیست . با اینهم زبان افغانی ازادبیات وحکمیات هم خالی نیست . وهم ادبیات بسیار شیرین وحکمیات خیلی تمکینی دارد که انشاءالله سراج الاخبار افغانیه همیشه بعضی پارچه های رنگین ادبیات وحکمیات زبان اصلیٔ ملتی خودرا درج صحائف افتخار خود خواهد نمود .

ای نونهالان چمنستان وطن !

زبان ملتی افغانی خودرا تقدیس نمائید ، ودوست دارید ودر آموختن آن بسیار کوشش کنید . زبان رسمیٔ وسیاسیٔ فارسیٔ خودرا نیز بسیار دوست داشته بخوبی تحصیل کنید . زبان عربی چون زبان مقدس دینیٔ همهٔ مسلمانان وموجب فهمیدن قرآن عظیم الشان است ازهمهٔ زبانها آنرا مقدستر بشناسید ، وآموختن آنرا برای ترجمه وفهمیدن معانیٔ قرآن کریم ازواجبات شمارید . زبان ترکی وارد ونیز چون از زبانهائیست که بسیاری ازبرادران مسلمانان ما به آن متکلم میباشند لهذا اگر محض برهمین مقصد ونیت اتحاد واخوت اسلامی بیاموزید هیچ باکی ندارد . اماچون زبان ترکی بدرجهٔ زبانهای اوروپا بعلوم وفنون متنوعهٔ جدیده توانگرتر میباشد وهم زبان یکدولت معظمهٔ اسلامیه میباشد غیرازمقصد اتحادو اخوت اسلامی برای ترجمهٔ علوم وفنون را ازان زبان بزبان خود مان نیز مفیدتر ثابت میشود .

(وکل لسان بالحقیقت انسان)

یعنی زبان دان شو وزبانهای بسیاری را بیاموز . زیرا هرزبان درحقیقت یك انسانی میباشد . بنابرین اگرزبان انگریزی یادیگرزبانهای غیردین را بیاموزید نیزچیزی بدی ندارد . ولکن در آموختن زبان انکلیزی اگراحتیاط ودقت بسیاری دران نشود ضررش نسبت به نفعش بیشتر است . زیرا اگراحتیاط نشود نتیجه بخشیدن « همزبانی خویشی وپیوندیست » ملحوظ است . فکرعاجزانهٔ ما این است که درمکتبهای مبارکهٔ حربیهٔ سراجیه ومکتب حبیبیه ازشاگردان صنف منتهی که از علوم دینیات وفلسفهٔ اسلامیه شهادتنامهٔ درجهٔ اعلارا حاصل کرده باشند یکچندنفر شاگردان دیندار وطن دوستی برای تکمیل تحصیل این زبان جداشود ، ومقصد ازتکمیل تحصیل زبان انکلیزی آنها همینقدر باشد که اقتدار وملکهٔ مکملی درترجمهٔ کتابهای فنی وصناعیٔ آن زبان حاصل کنند . وبعد ازاینکه ملکهٔ لازمیرا دران حاصل کردند به تخواههای کافی محض برای ترجمهٔ کتابهای فنون وعلوم جدیدهٔ محتاج الیه مأمور شوند . زیرا تاکتابهای علمی وفنی عصر حاضر درزبان خود یك ملت بسیار نشود هیچ فایدهٔ حاصل نمیشود . چیزی که برخود این مدیر عاجز در خصوص ترجمه بتجربه ثابت گردیده این است که مترجمی که میخواهد از زبان غیر بزبان خود چیزی ترجمه کند شرط اعظم آن همین است که اول اصول تحریر وانشا وکتابت زبان خودرا بدرجهٔ اعلی بداند ، تابتواند که معانی زبان غیررا بزبان خود تطبیق بتواند .

والحاصل یکی از جملهٔ اخلاق حسنهٔ ملتی مامسئلهٔ زبان بود که بهمینقدر تحریر وتقریردرانخصوص خودرا مکلف ومجبور میدانستیم . این است که بعرض مافی البال خلوصیت آمال خود پرداخته توفیق خداوندی را دربارهٔ خود ، وهمه برادران دین خود نیازمیکنیم .



اختراعات محیرالعقول

اززمانهای سابقه ، تنها هفت اختراع عجیب وغریبی روایه شده است که آنرا « عجایب سبعه » گفته اند . ولی درینعصرهای جدیده چنان اختراعات محیرالعقولی بظهور آمده که عجایب سبعه را به « اعجب العجایب سبعینیه » ابلاغ نموده است . بناءً علیه خواستیم که سرازین شمارهٔ جریدهٔ عاجزانهٔ خود ازبعضی اختراعات عجیبه وغریبهٔ عصرهای حاضره بعضی معلومات مفیده بنظر قارئین کرام خود جلوه گر سازیم . ذاتاً مقصد یگانهٔ (سراج الاخبار افغانیه) همین است که درتوسیع معلومات ابنای وطن عزیز خود کوشش ورزد . وازین است که گاهی ازدین ، وگاهی ازدنیا ، گاهی ازصنایع وگاهی ازبدایع ، گاهی ازاخلاقیات ، وگاهی ازادبیات گاهی ازفلسفه وگاهی ازسفسطه ، گاهی ازسیاسی وگاهی ازقیاسی وغیره وغیره بحث راندن وچنه جنباندن را وظیفهٔ لازمهٔ قلمیهٔ خود میشمارد . اگر چه بعضی :- [مغزما خورد وحلق خود بدرید] گفته خنده هم بکنند ولی چون صدای ماخوش خودماهم می آید ازانرو ازنغمه سرائیٔ خود داری نمیتوانیم !! ...

— § —

۱

ماشینهای دوار طبع

اول ازیك اختراع بدیعهٔ فن طباعت - یعنی چاپ - سخن میرانیم که بادرعلم وفن شمرده میشود :

تصویر ۳. صفحه دوم: محمود طرزی، سراج الاخبار افغانیه، ۲۰ سنبله ۱۲۹۴ (۱۲ سپتمبر ۱۹۱۵)